



برابری فرصتهای بیش و پیش از هر چیز نگاهی است انسانی به بشر معاصر ، بشر از پس قرن‌ها و با شناخت واقع‌بینانه از حقوق انسانی با پرچم برابری فرصتها به تساوی حقوق برای نوع بشر می‌اندیشد یعنی تمامی اقشار اجتماع حق برابر در استفاده از امکانات ومواهب اجتماعی دارند و تامین این حق نیز بر عهده خود بشر است.

سالها از تصویب آئین‌نامه برابری فرصتها در عصاره تمدن معاصر ، سازمان ملل ، می‌گذرد. اینک باید دید انسانیت تا چه حد به آرزوهای خود دست یافته است برابری فرصتها شاید نگاهی آینده‌نگر به زندگی هر فرد جامعه نیز باشد چون شرایط اجتماعی حاکم بر انسان و پیشرفت تکنولوژی شرایطی را به وجود آورده است که بشر برای تعیین امنیت فکری خود باید به مشکلات آینده خویش بیندیشد از طرف دیگر در یک تعامل اجتماعی سالم همه افراد یک جامعه به یکدیگر نیازمند هستند نیاز به تعلق اجتماعی ، دوست داشتن و نیاز به حمایت از حقوق دیگر افراد جامعه خواسته‌هایی است که پاسخ طبیعی آن طرح برابری فرصتهاست سالها می‌گذرد و باید دید با وجود این توافق بشری و با توجه به این که بسیاری از محیطهای زندگی بشری بعد از این توافق جهانی ساخته و مهیا شده است تا چه حد به این قانون انسانی توجه شده است.

در اینجا درصدد ریشه‌یابی علت وقوع یا عدم وقوع این امر نیستیم که خود مجال دیگری می‌خواهد و چه بسا خود معلولان نیز در آن بی‌تقصیر نباشند.

به راستی چرا این تعداد عظیم کمتر در عرصه‌های اجتماعی حضور دارند و دیگران را از نعمت حضور خویش محروم ساخته‌اند و آنان که در صحنه مانده‌اند ، با چه معضلاتی روبه‌رو هستند.

وجود ناهمواریهای فراوان در سطح پیاده‌روها ، پله‌های بدون قاعده ، حفره‌هایی که پر کردن آنها فراموش شده است ، داربستهای فلزی در سطح معابر همه و همه موانعی هستند که تردد نابینایان و معلولان حرکتی را که از عصا استفاده می‌کنند مشکل ساخته است. حفره‌هایی که در فاصله دو حرکت از زیر عصای سفید می‌گذرند و برای فرد نابینا مساله می‌سازند و یا

شکافهایی که عصا در آنها فرو رفته و گاه نیز شکسته می‌شود و ناهمواری‌هایی که عصای سفید در آنها گیر کرده و نابینا را بدون عصا به جلو رهنمون می‌کند که اگر این اتفاق با بدشناسی هم همراه باشد مثلاً یک قدم جلوتر پله‌ای باشد افتادن حتمی است. انتخاب سنگفرش نامناسب برای پوشش پیاده‌روها مانند موزاییکهای سکه‌ای که شاید از دید مسئولین امر بر زیبایی معابر می‌افزاید برای یک فرد نابینا با ناهمواریها و چاله‌ها فرق چندانی ندارد و بدین گونه امنیت در تردد فدای زیبایی بصری معابر می‌شود شاید بی‌توجهی به این مسائل در محل‌های ویژه تردد این افراد مبین عمق مشکل باشد هر چند که بر حسب اولویت عقلی به نظر می‌رسد با وجود بهانه همیشگی محدودیت بودجه، بایستی حداقل این مکانها برای افراد معلول مناسب‌سازی شوند تا کمتر شکایت آنان گوش مسئولین را بیازارد.

بر ناامنی زمینی، اگر ناامنی هوایی را هم بیفزاییم مشکل مضاعف خواهد شد میله‌های افقی داربست‌های ساختمانی، جدا از میله‌های عمودی با بی‌دقتی در انتخاب ارتفاع مناسب همواره تهدیدکننده سر افراد نابیناست. شاید بتوان به این مقوله وسایلی که در جلوی مغازه‌ها در هوا معلقند و سایه‌بان آنها و درخت‌های کج حاشیه پیاده‌روها را هم افزود و موانع دیگر مانند وسایل مغازه‌ها در جلوی آنها و بساط دست‌فروش‌ها و حتی پارک غیرمناسب موتورسیکلت‌ها.

اختلاف سطح زیاد پیاده‌رو تا، خیابان نبودن پله‌های نامناسب بر روی جویها مانند پله‌ها با میله‌های فلزی با مشکل فرو رفتن و گیر کردن عصا و یا چرخ‌های ویلچر مواجه است و پله‌های کم‌عرض نیز برای قرار گرفتن عصای معلولان حرکتی ویلچر فضا و امنیت لازم را فراهم نمی‌سازد و در مواردی پارک‌های غیرمجاز، وسائط نقلیه و موانع دیگر در جلوی پله‌ها از مشکلات معلولان هستند.

از این مقوله که بگذریم نبودن پل در مسیرهای طولانی برای تردد معلولان حرکتی مشکل‌آفرین است و باید به شیوه‌ای به رفع مشکلات خود پردازند یا باید از درخت و ماشینی که در آن نزدیکی است کمک بگیرند و یا با روشی دیگر و به تنهایی مشکل خود را برطرف سازند ساختمان‌های، مسکونی اداری، با پله‌های فراوان ورودی و داخلی خویش از عمده‌ترین مسائلی هستند که بیشتر معلولان حرکتی را با مساله غیرقابل حل روبه‌رو می‌سازند و این است که بسیاری از معلولان عملاً از استفاده از امکانات عمومی و ضروری برای زندگی محرومند و شاید این کم‌توجهی با این پند عوامانه به معلولان که شما چرا از خانه خارج می‌شوید و یا این کار را به افراد خانواده بسپارید یا چرا همراه ندارید، همواره دل معلولان را به درد می‌آورد بسیاری از این افراد حتی با نصب یک میله ساده در حاشیه پله‌ها با مشکل کمتری مواجه می‌شوند. به نظر ما قرار دادن یک رمپ ساده در کنار پله‌ها آن هم با شیب و همواری مناسب و نداشتن موانع فیزیکی در ابتدا و انتهای آن، نه تنها از زیبایی ساختمان نمی‌کاهد بلکه کمک شایسته‌ای به این افراد است. بعضی از سطوح شیب‌دار که در پیاده‌روهای شهر دیده می‌شود تا آنجا برای تردد معلولان نامناسب است که به نظر می‌رسد برای عبور راحت تر موتورسواران در پیاده‌روها در نظر گرفته شده است.

در ساختمان‌هایی که مجهز به آسانسور هستند برجسته نبودن کلیدهای آسانسور یا اعلام نشدن طبقات، تشخیص موقعیت را برای نابینایان مشکل می‌کند.

ساخت و ساز و حفاری به اندازه معقول از ضروریات زندگی است اما چرا و به چه دلیل رفع نیاز شهروند و یا موسسه و سازمانی باید موجب مزاحمت، مساله و ناامنی برای دیگران شود.

قرار دادن مصالح ساختمانی در حاشیه پیاده‌روها و بعضا حاشیه خیابانها ، حفاریهای بدون حساب و کتاب و بدون بدیهی‌ترین علائم هشداردهنده تاکنون جان بسیاری از شهروندان را به مخاطره انداخته و مسلما با شرایط فعلی و نبود قوانین حمایتی این مشکل ادامه خواهد یافت و بسیاری از دوستان معلول حتی با وجود دیدن حادثه به علت مشکلات تردد برای ورود به دادگاهها از شکایت هم صرف‌نظر می‌کنند.

پلهای عابر پیاده محل نصب نامناسب در ابتدا و انتهای آن و پله‌های آن خصوصا برای معلولان حرکتی قابل استفاده نیست و این افراد حتی ، با نداشتن تعادل در حرکت و یا سرعت پایین یا باید از عرض خیابان بگذرند و یا کلاز عبور صرف‌نظر کنند. پارک نامناسب اتومبیلها و عدم نظارت بر آن تردد را برای نابینایان مشکل می‌کند و گاه فرد مجبور به استفاده از منتهی‌الیه ماشین‌های پارک شده در خیابان می‌شود گذشته از این بسیاری از معلولان تردد از حاشیه خیابان را به جای پیاده‌روها ترجیح می‌دهند یا اصلا مجبور به این کار هستند حتی با وجود خطرات جانی فراوان وقتی به ضروریات زندگی نمی‌توان پرداخت شاید صحبت از تفریحات و اوقات فراغت بیهوده باشد. درب ورودی بسیاری از پارک‌ها با میله‌های فلزی یا بلوک‌های سیمانی برای جلوگیری از ورود موتورسیکلت مسدود شده که این امر برای معلولین به معنای ورود ویلچر ممنوع است. آیا می‌توان برای جلوگیری از خلاف عده‌ای حقوق مسلم عده‌ای دیگر را نادیده گرفت.

نبودن چراغ راهنمای گویا در معابر شهر با اینکه در بسیاری از کشورها سالها متداول است برای تردد نابینایان از تقاطع‌ها مساله‌ساز است و این سوال ، باقی می‌ماند که تا چه زمان به جای قانون و رعایت حقوق دیگران باید به امید کمک و گاه ترحم دیگران نشست. این مشکل وقتی حادث می‌شود که شاید به دلیل نبودن قوانین حمایتی در راهنمایی و رانندگی از افراد معلول ، رانندگان غالبا با دیدن فردی با عصا بدون توجه به مسائل امنیتی و سرعت خود می‌گذرند. عصای سفید شکسته نابینایی در وسط خیابان دلیلی بر نبودن این قوانین حمایتی است. نداشتن علامت برجسته در ابتدای خطکشی‌های خیابانها تشخیص آن را برای نابینایان دشوار ساخته است. این مشکل در تشخیص ایستگاه‌های اتوبوس هم مشهود است. در وسائط نقلیه عمومی ، نبودن سطح شیبدار برای ورود و خروج معلولان به آن ، گاه چنان مشکل‌آفرین است که فرد معلول را در استفاده از این امکانات پشیمان می‌کند و باز حدیث مجدد توجه و کمک‌همنوعان ، به نظر می‌رسد در کشور ما بسیاری از خالهای قانونی و اجرایی با توجه و کمک مردم پوشش می‌یابند اما باید دانست که این امر همیشگی نیست و استثناپذیر است ، اگر معلولی هم به درون اتوبوس راه یابد و باز اگر صندلی ویژه معلولان در پشت راننده برای او خالی شود شرایط فیزیکی نامناسب صندلی (بلند بودن محل جلوی صندلی) مانع استفاده از آن می‌شود.

تغییر مسیر اتوبوس‌ها در بین راه برای نابینایان و هماهنگ نبودن مسیر اتوبوس با تابلوی آن برای ناشنوایان مشکل‌ساز است. سری به ایستگاه‌های مترو می‌زنیم؛ وسیله جدیدی برای تردد که انتظار بجای معلولان را ، برای مناسبسازی خود به همراه دارد در قطارها سی‌دی‌های گویا مشکل همه مردم را در تشخیص ایستگاهها و در جای خود مشکل نابینایان را حل کرده است اما فرد ناشنوا به دلیل روشن و خاموش نشدن نام ایستگاه در تابلوی راهنمای قطار راهی جز ارتباط و سوال از دیگران ندارد.

در ابتدا وانت‌های هر قطار محل قرار گرفتن ویلچر تعبیه شده اما با وجود این



مناسبسازی به دلیل نبودن آسانسور و با وجود پله‌های فراوان معلول حرکتی و ویلچری هیچ راهی برای ورود و خروج از ایستگاه و استفاده از این امکان ندارد.

با توجه به تمام این مسائل شاید این توقع امری بدیهی باشد که مکانهای مخصوص معلولان چون مدارس باید دارای بهترین شرایط برای آنان باشد. اما بی‌توجهی‌های به ظاهر کوچک گاهی برای این افراد مشکلات فراوانی می‌سازد. شیب تند رمپهای این مدارس عبور و مرور را برای این دانش‌آموزان مشکل می‌کند. حیاط کوچک مدرسه ویژه کودکان کم‌توان ذهنی که بعضاً نیاز به فعالیت و جنب و جوش فراوان دارند، زمین بازی کوچک و عدم رعایت فاصله مناسب بین وسایل بازی مثل تاب و سرسره برای کودکانی که به سختی متوجه خطر هستند و به راحتی از جلوی تاب در حال حرکت می‌گذرند و یا نبودن حفاظ و مشخصه‌ای امنیتی برای این وسایل می‌تواند وقت و انرژی زیادی را از اولیای مدرسه بگیرد و علی‌رغم همه تلاشها باز خطر همیشه در کمین این کودکان است. مدرسه با طبقات و پله‌های زیاد نیز می‌تواند خطر سقوط از پله‌ها را برای این کودکان به همراه داشته باشد. به علاوه درب و پنجره‌های این مدارس باید از نوع کشویی انتخاب شود تا از برخورد سر این کودکان به پنجره‌های نیمه باز پیشگیری شود و همچنین همه زوایای تیز گوشه‌های دیوارها بهتر است مناسبسازی شود.

آنچه ذکر شد از ملموس‌ترین مشکلات معلولان است و این در حالی است که مصوبات فراوانی برای مناسبسازی محیط شهری تهیه و ستادهای اجرایی هم برای آن تعریف شده است اما هنوز عزم جمعی برای رفع مشکل دیده نمی‌شود، به نظر می‌رسد در حل این مسائل باید با نگاه کارشناسی معلولان، اولویتها تعیین شود و با جلوگیری از افراط و تفریطها و صرف هزینه‌های هنگفت که به دلایل گوناگون استفاده چندانی به همراه ندارد، با هزینه‌های کمتر نقاط بیشتری را تحت پوشش قرار داد و همچنین به نظر می‌رسد از نظر اولویت تا زمانی که توجه به مسائل معلولان در درجات آخر توجه مسئولان است باید همچنان رویای مناسبسازی شهر را در سرپروراند و به قول دوستان معلول ما فقط در خواب می‌بینیم که روزی چون انسانهای دیگر بدون نیاز به وابستگان و دوستان خود به تنهایی قادر به حل مشکلات خود باشیم.

عکس: مجتبی جانبخش
گزارش: راضیه کباری
با همکاری هما بدر، شروین وفا، بهنام مجید سلیمانی، مشایخی